



حمایت‌ها و موانع برای ازدواج مجدد پس از فوت همسر یا طلاق در نظام حقوقی ایران

عباسعلی یزدانی^۱، رجبعلی یزدانی^۲

چکیده

بیان مسئله: با توجه به مختصات فرهنگی جامعه ایران، ازدواج مجدد دائم یکی از راهکارهای جامعه پسند برای بازتتشکیل خانواده پس از فوت همسر یا طلاق است و تأیید حقوقی از آن می‌تواند احتمال انتخاب این گزینه را در مقایسه با سایر گزینه‌ها مانند مجرد دائم بیشتر کند. با وجود این، موضوع گسترش آمار مجرد افراد مطلقه یا بیوه در حال تبدیل شدن به یک مسئله اجتماعی است. در این پژوهش حمایت‌ها و موانع قانونی در راه ازدواج مجدد پس از طلاق یا فوت همسر اول بررسی شده است.

روش: این مطالعه مروری با استفاده از کلیه مستندات و قوانین مصوب موجود در سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و مرور مقالات مرتبط به فارسی و انگلیسی انجام شده است. برای تکمیل اطلاعات، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های داخلی سازمان‌های حمایتی مانند بهزیستی و کمیته امداد تا پایان ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: علیرغم تأکید در اسناد بالادستی، حمایت‌ها در قوانین و مقررات موضوعه موجود عموماً متمرکز بر تسریع وقوع ازدواج اول و جلوگیری از پایان آن و از حیث نوع نیز عموماً مالی است. بخش عمده حمایت‌ها از افراد مطلقه نیز ناظر بر حمایت از زنان، تحت عناوینی مانند زنان سرپرست خانوار یا حمایت از آنها برای محافظت از فرزندان است. همچنین، سهم حمایت‌های فعلی نیز بیشتر به سمت زنان بیوه سنگینی می‌کند تا افراد مطلقه.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد هنوز به اندازه کافی سرمایه‌گذاری قانونی و سازمانی برای تشویق افراد مطلقه یا بیوه به بازگشتن به وضعیت تأهل وجود ندارد. تقویت حمایت‌های قانونی از وقوع ازدواج‌های بعدی برای کسانی که از ازدواج اول بیرون آمده‌اند، می‌تواند از بازتتشکیل خانواده پس از طلاق پشتیبانی کند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج مجدد، بازتتشکیل خانواده، طلاق، بیوگی، حمایت‌های قانونی

۱. (نویسنده مسئول) دکتری مددکاری اجتماعی، استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی البرز (a.yazdani@abzums.ac.ir)
۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی - قاضی دادگستری

مقدمه و بیان مسئله

نهاد خانواده که عموماً با ازدواج رسمی و هنجاری آغاز می‌شود موضوع پژوهش و تفکر در تقریباً همه جوامع بوده است. شکل این نهاد مهم و اولیه اجتماعی در جوامع مختلف و در دوره‌های مختلف تاریخی تفاوت‌هایی داشته و دارد. در آیین‌های شرقی و غربی می‌توان شواهد بی‌شماری درباره اهمیت خانواده و لزوم احترام به آن در قوانین، سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها یافت که کارکردهای متعدد اجتماعی یا مذهبی برای آن برشمرده‌اند. رویکردهای قدرتمندی نیز در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف مطرح شده‌اند که ازدواج را برساخته جامعه و در خدمت حفظ ساختارهای اجتماعی دانسته و تلاش کرده‌اند با پیش کشیدن بدیل‌هایی برای گونه هنجاری ازدواج یعنی ازدواج دائم، رسمی و با غیرهمجنس، اصالت ذاتی آن را زیر سوال ببرند. رویکردی که اگرچه تاکنون مقبولیت عمومی و حداکثری نیافته و جوامع به صورت منطقی در مقابل آن مقاومت کرده‌اند اما موجب شده تا در منابع و متون جدید انواع ازدواج و انواع خانواده به صورت جدی‌تر مورد بحث و تحلیل قرار گیرد (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۶؛ ساروخانی، ۱۳۹۸). با وجود این هنوز رایج‌ترین شکل خانواده در اروپا (بیش از چهار پنجم) و امریکای شمالی هم همان زندگی خانواده با ازدواج رسمی یک زن و مرد است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ چیل، ۱۳۸۸).

برخی نویسندگان با معیار قرار دادن چارچوب سنتی خانواده شامل یک زن و یک مرد و یک یا چند فرزند، به شکل‌های خارج از این استاندارد، لقب «خانواده‌های ناکامل»^۱ داده‌اند (چرلین، ۲۰۱۷) و شواهد و مطالعات نشان می‌دهند آمار این خانواده‌ها در جای جای جهان رو به افزایش است. سالنامه آماری سازمان ملل متحد (UNSTATS, 2020) که برگرفته از داده‌های رسمی ۲۰۰ کشور دنیاست نشان می‌دهد که نرخ و آمار طلاق در کشورهای مختلف به صورت معناداری رو به صعود گذاشته است. در ایران نیز وضعیتی مشابه با روند جهانی در حال وقوع است و نرخ طلاق^۲ از ۱,۹٪ از هر ۱۰۰۰ زن و مرد در

1. incomplete families

درباره به کار بردن این مفهوم، اختلاف نظر وجود دارد و برخی استفاده از این لفظ را سوگیرانه و نوعی ظلم به افرادی می‌دانند که به علت شرایط جسمانی و شخصی، خانوادگی یا قانونی امکان ازدواج را ندارند یا تجرد با انتخاب کرده‌اند.

2. Charlin

۳. منظور از نرخ طلاق، نرخ خام در هر ۱۰۰۰ نفر و عبارت است از: نسبت تعداد طلاق‌ها طی یک سال به میانگین جمعیت در همان سال.

نرخ طلاق طی ازدواج عبارتست است: تعداد طلاق‌ها در پایان (x) سال ازدواج به تعداد شروع ازدواج در هر سال یعنی (n-x)

سال ۲۰۱۱ به ۲,۱ در سال ۲۰۱۹ رسیده است (UNSTAT, 2020). در عین حال، با توجه جمعیتی تقریباً برابر با افراد مطلقه را در جمعیت افراد همسرزادست داده هم شاهد هستیم (۱,۳۰ درصد مطلقه در مقابل ۱,۷۰ درصد بیوه بر اساس سرشماری ۵۹۳۱ نفوس و مسکن) و نیز تفاوت آمار مرگ و میر مردان و زنان (۵۵,۶ درصد مردان در مقابل ۴۴,۴ درصد زنان در سال ۱۴۰۲) به ویژه مرگ‌های ناشی از حوادث ناشی از کار که عموماً مردان بزرگسال و احتمالاً متأهل را شامل می‌شود می‌توان استنباط کرد که جمعیت قابل توجهی از زنان و مردان بیوه نیز هر ساله به کشور اضافه می‌شوند و نهایتاً با ۲۶,۶ درصد از بزرگسالان یا سالمندان بیوه/مطلقه مواجه هستیم (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵) که ازدواج مجدد، یکی از گزینه‌های محتمل آنهاست.

در بسیاری از جوامع غربی ممکن است جدایی و تشکیل مجدد زندگی زناشویی به امری نه چندان حساسیت برانگیز تبدیل شده باشد (کلانتری و روشنفکر، ۱۳۹۳) اما به صورت عمومی، در فرهنگ ایرانی، نگاه به تأهل افراد بزرگسال اعم از مرد یا زن و پایبندی به خانواده‌های تشکیل شده و تلاش برای حفظ نمای سالم خانواده وجهی متفاوت دارد (یزدانی، a. ۲۰۲۱). با وجود تغییر و تحول سریع نگرش شهروندان ایرانی به ویژه جوانان به مقوله ارتباطات زناشویی و ساختار درون خانواده پژوهش‌های ملی ماننده پیمایش ملی خانواده (فیضی و ابراهیمی، ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که ازدواج و تشکیل خانواده کماکان اولویت جوانان و میان‌سالان در سن ازدواج هست و تأخیر در ازدواج‌ها عموماً تحت تأثیر سه مانع شغل پایدار و پیدا نکردن فرد مناسب برای ازدواج بوده است که عامل دوم خود می‌تواند متأثر از کاهش اعتماد اجتماعی و نیز ضعیف شدن ارتباطات هدفمند باشد که با وجود اضمحلال نهادهای محلی و سنتی ازدواج جبران می‌شد و جدی گرفته نشدن مفهوم «بازار ازدواج»^۱ در کشور، چالش تجرد را به بحران آینده نزدیک ایران تبدیل خواهد کرد. نتایج کم و بیش مشابهی در سایر پژوهش‌های ملی از قبیل موج چهارم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۴۰۲) و طرح ملی «سنجش سبک زندگی ایرانیان (۱۴۰۳) مشاهده می‌شود.

اهمیت و مطلوبیت ازدواج در بین ایرانیان یک رویه دیگر هم دارد و آن دشوار شدن بازتشکیل خانواده بعد از پایان ازدواج اول به ویژه در خصوص افراد مطلقه است. برای نمونه، در سال ۱۳۹۴ تنها ۵,۴ درصد از مردان و ۴,۱ درصد زنان ازدواج دوم و بیشتر را به ثبت رسانده‌اند (سازمان ثبت احوال ایران، ۱۳۹۴)^۲. در نهایت به نظر می‌رسد، موضوع تجرد افراد مطلقه و یا ازدواج مجدد آنها یکی از مهمترین چالش‌های جمعیتی و اجتماعی پیش روی جامعه ایران نیز خواهد بود و ضروری است متخصصین به آن

1. Marriage Markets

۲. (البته در این عدد قطعاً زیرمجموعه کوچکی نیز به خانواده چندهمسری اختصاص دارد که با توجه به عدم ثبت آنها ذیل یک عنوان آماری جدید احصاء دقیق آن میسر نیست).



توجه کافی نمایند. این مسئله با توجه به مقاومت جامعه در پذیرش انواع خانواده مانند ازدواج‌های غیررسمی، همباشی و حتی ازدواج موقت در ایران می‌تواند حائز اهمیت وافر باشد (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۶) چون تعداد قابل توجهی از افراد ممکن است برای همیشه فرصت ارتباط جنسی مشروع را از دست بدهند و هرگز فرصت تجربه ازدواج و بازتشکیل خانواده را کسب نکنند و فرزندان‌ی که به واسطه انتخاب والدین، هرگز یک «خانواده کامل» را تجربه نکنند.

با وجود این، سوالی که وجود دارد این است که آیا قوانین ایران که به صورت کلی از ازدواج پشتیبانی می‌کند، ظرفیت‌های لازم برای حمایت از ازدواج‌های پس از طلاق یا فوت را فراهم کرده و از این انتخاب به صورت عملیاتی حمایت می‌کند. تاریخ قوانین مدرن حوزه خانواده را می‌توان سال ۱۳۱۰ دانست که نخستین قانون مدرن حوزه خانواده با تعیین حداقل سن رسمی و نیز ضرورت ثبت وقایع حیاتی در مراکز اسناد رسمی تصویب شد. قوانین ازدواج و خانواده پس از آن بارها تجدید نظر یا تغییر کرد و هر بار حسب ضرورت، موارد جدیدی در آن گنجانده شد. در قوانین متعددی که در سال‌های اخیر درباره حمایت از خانواده تهیه و تصویب شده‌اند همواره موضوع افزایش میزان ازدواج و کاهش طلاق مورد توجه قرار گرفته است. در قانون بالادستی برنامه هفتم نیز صراحتاً بر لزوم افزایش ۵ درصدی ازدواج، کاهش یک درصدی سن ازدواج و کاهش ۵ درصدی طلاق پافشاری شده است. با وجود این، تقریباً در هیچ جا، به روشنی موضوع ازدواج مجدد افراد مطلقه یا بیوه مورد بحث قرار نگرفته‌اند. آنچه در این پژوهش بررسی شده است، مصادیق حمایت از ازدواج مجدد پس از طلاق یا فوت در قوانین قابل استناد ایران است.

روش

این پژوهش از نوع تحقیقات مروری است و برای انجام آن همه قوانین و مستندات موجود در سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران با آنهایی که به موضوع مرتبط بودند و تا زمان اجرای پژوهش معتبر بودند بررسی شدند. همچنین برای تکمیل جستجو، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های داخلی چهار نهاد حمایتی شامل سازمان بهزیستی، کمیته امداد، بنیاد شهید و امور ایثارگران و سازمان تأمین اجتماعی از وبسایت رسمی آنها مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین به منظور بررسی ادبیات موضوع، از محتوای مقالات مرتبط به زبان فارسی و انگلیسی بهره گرفته شده است.

تفاوت‌های قانونی ازدواج اول و ازدواج مجدد

مباحث فراوانی در خصوص تمایزات و تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و ارتباطی و حتی مبتنی بر سلامت بین ازدواج اول و دوم مطرح است اما متناسب با موضوع این مقاله، بین این دو موضوع، به لحاظ حقوقی نیز تفاوت‌هایی وجود دارد که



برخی از مهمترین موارد آن که می‌تواند عوارض اجتماعی داشته باشند در این بخش ذکر می‌گردد:

در تفاوت نخست، زن در ازدواج اول مطابق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی (اصلاحی ۰۷۳۱) نیاز به اذن ولی دارد اما در ازدواج دوم به شرط عدم باکرگی نیازی به این شرط نیست. این موضوع، به نوعی استقلال رأی زن در تصمیمگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تفاوت دوم در موضوع عده است. زن پس از خروج از ازدواج اول باید مدتی را به عنوان عده از ازدواج خودداری کند و ازدواج مجدد در این دوره باطل است. ضمانت اجرای سنگینی برای بحث عده از سوی شارع مقدس در نظر گرفته شده است. مطابق ماده ۱۰۵۰ قانون مدنی که مبتنی بر فقه شیعی است، تزویج زن شوهردار یا زن در عده طلاق یا عده وفات چنانچه با علم به این موضوع باشد نه تنها مبطل عقد است بلکه این آن زن و مرد مطلقاً بر هم حرام موبد (مادام‌العمر) می‌شوند. البته در مواردی که رابطه جنسی برقرار نشده باشد ازدواج باطل است اما مجازات حرام موبد حاصل نمی‌شود (ماده ۱۰۵۱).

تفاوت سوم در تکرار ازدواج با همان فرد سابق است که شرایطی در آن برقرار است که در ازدواج اول طبیعتاً مطرح نیست. مانند موارد موضوع ماده ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸ قانون مدنی درباره تکرار ازدواج یک زوج پس از طلاق و شرط وجود محلل که چنانچه زن به ۹ بار طلاق که ۶ بار آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام موبد می‌شود. چهارمین چالش در بحث اولاد است. در طول تاریخ موارد فراوانی دیده شده که زنی پس از حدوث طلاق یا فوت همسر، ازدواج مجدد کرده و باردار شود و در خصوص اینکه حمل متعلق به کدام شوهر است اختلاف نظر ایجاد شده است. و در زمانی که هنوز علم پزشکی و ژنتیک به این حد از پیشرفت نرسیده بود یکی از معضلات بسیار پیچیده محسوب می‌شد.

در کنار این موارد تفاوت‌های خردتر و تخصصی‌تری نیز در قوانین و اسناد مختلف در تفاوت این دو ازدواج و نیز شرایط ازدواج بعد از طلاق و بعد از فوت همسر وجود دارد که در خلال مباحث بعدی حسب ضرورت مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

حمایت قانونی از ازدواج و خانواده

در تفکر ایرانی و اسلامی، برای نهاد خانواده فراتر از یک موجودیت اجتماعی، جنبه الهی ایجاد شده است (اشرف زاده و کلانی، ۱۳۹۱). برای نمونه اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) برای خانواده درجه "قدسیت" قائل شده و "بر تسهیل روند تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی" تأکید شده است. همچنین در اسناد و قوانین متعدد بالادستی همچون سیاستهای کلی خانواده (۱۳۹۵ بند ۴)، برنامه ششم توسعه ایران (۱۳۹۵)، ماده ۱۱۷ بند ۶ و ماده ۱۱۹ بند ب)، سند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده (مصوب ۱۳۹۲ هیأت وزیران) و



سیاست‌های کلی برنامه هفتم پیشرفت (۱۴۰۱ بند ۱۵) که در بخش‌های بعد بررسی خواهند شد بر تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه و لزوم انجام پژوهش و برنامه‌های اجرایی برای تعالی خانواده، حفاظت از خانواده در مقابله با آسیب‌های اجتماعی و به ویژه حمایت از زنان سرپرست خانوار تأکید شده است. با وجود این، افزایش آمار خانواده‌های غیرسنتی ناشی از طلاق، فوت همسر یا تجرد بزرگسالان در ایران غیرقابل انکار است به گونه‌ای که سازمان ثبت احوال کشور، اعلام رسمی آمارهای مربوط به وقایع ازدواج و طلاق را محدود کرده و در مواردی جزئیات آن را در ردیف اطلاعات محرمانه کشور قرار داده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۲ مرداد ۱۳۹۵).

موضوع ازدواج مجدد در قوانین

قانون اساسی ایران که مبتنی بر شرع و فقه شیعی است، خانواده را امری مقدس دانسته و همه ساختارهای کشور را به تقویت نهاد خانواده ملزم می‌دارد. برای نمونه بند اول و چهارم اصل ۲۱ قانون اساسی تا حدودی حمایت از زنان سرپرست خانوار را نشان داده و فضایی برای حمایت از این زنان اعم از اینکه به واسطه جدایی یا بیوگی یا هر دلیل دیگر (از کارافتادگی، زندانی شدن، فراری بودن و یا مهاجرت همسر) سرپرستی خانوار را بر عهده گرفته باشند ایجاد کرده است.

بند ۱۴ سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) جزو مواردی است که به صراحت و به صورت مستقیم، حمایت از زنان سرپرست خانوار و زمینه‌سازی برای ازدواج مجدد آنها را مطرح کرده که به نظر می‌رسد به دلیل حضور پررنگ مددکاران اجتماعی در تیم تدوین و تنظیم این سند بوده باشد.

در سند‌های بالادستی دیگری مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ (ابلاغی ۱۳۸۲)، سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۴۴۴ (۱۳۹۷)، احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶)، جزء ۵ بند پ ماده ۳۷) و نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲)، راهبرد کلان ۳، راهبرد ملی ۲) و سیاست‌های کلی دیگری مانند سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی (۱۴۰۱، بند ۸) و سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳، بند ۲) بر کلیدواژه‌هایی مانند تحکیم خانواده در طراز جامعه ایرانی-اسلامی، کاهش طلاق و تشویق ازدواج پایدار، بهنگام و در سنین پایین و توأم با فرزندآوری پای فشاری شده است.

همچنین با توجه به بند ت ماده ۰۸ قانون برنامه پنج ساله هفتم با الزام دولت به تهیه «برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق» و «برنامه انضباط اجتماعی» به نظر می‌رسد توجه و تأکید حاکمیت بیش از ازدواج مجدد و باز تشکیل خانواده بر کاهش میزان طلاق است. بر همین اساس نیز هرگز صحبت از بازتشکیل خانواده و ازدواج دوم و بیشتر چه در خصوص مردان و چه در خصوص زنان به میان نیامده است. حتی در مبحث مربوط به زنان سرپرست خانوار به موضوع حمایت و توانمندسازی آنها اشاره می‌کند و نشانه‌ای از این باور که ازدواج مجدد می‌تواند یکی از مصادیق توانمندسازی باشد دیده نمی‌شود.



در قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت (مصوب ۱۴۰۰) به نظر می‌رسد مقصود و تأکید قانونگذار، اساساً فرزندآوری و افزایش جمعیت بوده است و آوردن نام خانواده در عنوان قانون، بیشتر با هدف نشان دادن اهمیت فرزندان مشروع حاصل از ازدواج صورت گرفته است. مصداق آن را می‌توان در تأکید بیش از حد بر حمایت از ازدواج‌های سن پایین‌تر، حذف حمایت‌های ازدواج مرتبه بالاتر (مانند ماده ۶۸ قانون) و نیز حذف تسهیلات برای افراد بالای ۵۰ سال (موضوع ماده ۱۰ قانون) دانست.

همین سکوت در خصوص مراتب دوم یا بیشتر ازدواج، در قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب ۱۳۸۴) و آیین‌نامه‌های و اسناد پیامد آن نیز وجود دارد و در آنجا نیز ضمن تأکید مؤکد بر زمینه‌سازی، فرهنگ‌سازی، تشویق و تسهیل ازدواج برای جوانان، اشاره‌ای به حمایت از ازدواج‌های بعدی نمی‌کند و انعکاس آن در آیین‌نامه‌ای که حمایت‌های مالی صندوق‌های قرض‌الحسنه مانند صندوق مهرامام رضا (ع) را پشتیبانی می‌کند دیده می‌شود که در نتیجه آن، ازدواج مجدد را خارج از اولویت و مشروط به شروطی می‌تواند مشمول وام بگرداند.

ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی تصریح می‌کند که مادر حتی در دوره‌ای که حضانت فرزند با اوست، در صورت ازدواج مجدد از اولویت حضانت فرزند خارج خواهد شد و این موضوع یکی از موارد پرمناقشه در دعاوی خانوادگی پس از طلاق است. اگرچه در نهایت بر اساس قانون جدید خانواده (۱۳۹۱) و سایر قوانین موضوعه، مصلحت طفل در اولویت هر نوع تصمیم‌گیری در خصوص اوست اما با وجود صراحت این ماده، مادر برای حفظ حضانت فرزند خود ناگزیر به تلاش مضاعف است که گاهی نامطلوب است.

در این میان، ماده ۴۸ قانون و ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۳) را که از محفوظ ماندن حقوق وظیفه یا مستمری همسر فرد متوفی حتی پس از ازدواج مجدد او حمایت می‌کند را جزو نکات مثبت حمایت‌کننده از ازدواج مجدد زنان می‌توان به حساب آورد. اگرچه این موضوع طبیعتاً زنان مطلقه را شامل نخواهد شد. این قانون، حق استفاده از مستمری همسر را حتی پس از فوت همسر دوم نیز برقرار می‌داند. نکته جالب توجه آنکه قانون حمایت خانواده دیگری از سال ۱۳۵۳ وجود دارد که هنوز معتبر است و در ماده ۱۱ آن شرط استفاده همسر مطلقه غیرمستطیع از مقرری تعیین شده در زمان طلاق را عدم ازدواج مجدد وی دانسته است.

حمایت‌های سازمانی و گروه‌های خاص

موضوع ازدواج مجدد در خانواده‌های دارای شرایط خاص، به نسبت جمعیت عمومی شرایط متفاوتی دارد و حمایت‌های متعددی برای بانوان برای بازتتشکیل خانواده پیش‌بینی شده است هر چند برای ازدواج دوباره مردان مطلقاً نمونه‌ای یافت نشد.

در خصوص خانواده شاغلین نیروهای مسلح و خانواده شهدا و ایثارگران مواردی صراحتاً بیان شده است. برای نمونه در ماده ۴۹ قانون جامع حمایت از ایثارگران،



مشوق‌هایی برای خانواده شهدا و فرزندان‌شان در نظر گرفته شده است که البته احتمالاً به خاطر حفظ حرمت همسران شهید به صورت روشن نامی از آنها برده نشده است. ضمن اینکه این ماده قانونی مردانی که همسرانشان شهید شده اند را نیز می‌تواند دربر بگیرد. در همین راستا، وفق بند ۱ تبصره الحاقی به قانون استخدام جانبازان، اسرا و افراد خانواده‌های شهدا، جانبازان از کار افتاده، اسرا و مفقودالأثرهای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و... (مصوب ۱۳۷۵.۹.۷) ازدواج مجدد همسر شهید، مانع دریافت مستمری و مزایا نخواهد بود.

در تبصره ۳ ماده واحده قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کار افتاده و مفقودالأثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی (مصوب ۳۰ شهریور ۱۳۷۲) برای وراثت اناث تحت تکفل شهید که شوهر اختیار کرده و مطلقه شده و ضرورت طلاق مورد تأیید بنیاد شهید انقلاب اسلامی باشد از همان تاریخ طلاق مجدداً حقوق آنها برقرار و پرداخت می‌گردد.»

ماده ۶۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز ازدواج خانواده نیروهای مسلح (بدون قید ازدواج مجدد) را به دستگاه‌های مربوطه و امکانات داخلی سازمان‌ها ارجاع داده است. در نقشه مهندسی فرهنگی کشور (راهبرد کلان ۳، اقدام ملی ۱۳) حمایت از سربازان و دانشجویان برای ازدواج زودهنگام توصیه شده است.

همچنین، ماده ۴۴ و ۴۴ مکرر قانون خدمت وظیفه عمومی (اصلاحیه ۱۳۹۰) و آیین‌نامه اجرایی آن فرزندان زنان مطلقه یا بیوه را تنها در صورتیکه مادرشان ازدواج مجدد نکرده و مجرد مانده باشند از خدمت معاف می‌داند.

صرف نظر از حمایت‌های مالی از جهات دیگر هم معمولاً حمایتی از زوجه‌ای که پس از طلاق، ازدواج دیگر می‌نماید مثلاً در بحث قیمومیت از طفل (فرزند مشترک) معمولاً مطابق ماده ۶۱ قانون امور حسبی (۱۳۱۹) عمل می‌شود و در قیمومیت، پدر یا مادر بر تصمیم ارجحیت دارند تا وقتی مادر ازدواج نکرده باشد والا ترجیحی بر بقیه اشخاص یا اقوام در قیمومیت از فرزند ندارد.

ذیل برنامه‌های راهبردی سند ملی سالمندان (۱۳۹۹) که البته به الزام‌آور بودن مفاد آن چندان نمی‌توان اتکا کرد، «حمایت از ازدواج مناسب سالمندان» به عنوان یک سیاست اجرایی قید شده که به نظر می‌رسد بیشتر مورد توجه سازمان‌های حمایتی و به ویژه بهزیستی قرار خواهد گرفت و در عین حال، هنوز هیچ تأکید یا اختصاصی به موضوع ازدواج مجدد داده نشده و یک عبارت عمومی برای همه سالمندان اعم از آنهایی که هرگز ازدواج نکرده‌اند (حدود ۰٫۹ درصد کل سالمندان، بر اساس سرشماری عمومی ۱۳۹۵) و آنهایی که مراتب بعدی ازدواج را در نظر دارند محسوب می‌شود.

در کنار این موارد محدودیت‌هایی برای ازدواج مجدد با برخی گروه‌های خاص مانند کارکنان وزارت خارجه (قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه، ۱۳۴۵) وجود دارد که البته طبیعتاً جزو موارد نادر بوده و عمومیت ندارند.



در بین سازمان‌های حمایتی کشور، کمیته امداد و بهزیستی وضعیتی کاملاً متفاوت دارند و بنا به اقتضای مأموریت‌های ذاتی‌شان تلاشی روشن برای تبلیغ و ترویج ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار دارند. در سال‌های اخیر، مقررات متعددی در قالب بخشنامه، دستورالعمل یا مصوبه برای حمایت از این گروه صورت گرفته است که در مواردی با مشارکت و حمایت خیریه‌های مردمی یا نهادهای انقلابی نیز همراه بوده است. البته مقاله معتبر یا گزارشی از ارزیابی سازمانی در خصوص میزان توفیق این حمایت‌ها تا زمان تدوین این مقاله یافت نشد. همچنین، مردان مگر در صورت معلولیت یا از کارافتادگی، اساساً جزو خدمات گیرندگان این دو سازمان محسوب نمی‌شوند و طبعاً بحثی از حمایت‌های مرتبط با ازدواج درباره آنها جدی نخواهد بود. در خصوص خدمات گیرندگان سازمان بهزیستی، در قانون حمایت از حقوق معلولین هیچ سخنی از ازدواج افراد معلول به میان نیامده و صرفاً در تبصره ماده ۲۶ و ماده ۲۷ برای همسران افراد دارای معلولیت ارفاقاتی در خصوص معافیت از خدمت سربازی و کاهش ساعات کاری کارمندان در نظر گرفته شده است. در خصوص زنان بی‌سرپرستی که فاقد درآمد یا پوشش صندوق‌های بازنشستگی باشند، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (۱۳۷۱) حمایت‌های حداقلی را پیش‌بینی کرده است که البته وفق ماده ۶ این قانون، در صورت ازدواج از آن محروم خواهند شد.

به تبع مسائل مذکور و ضعف یا عدم حمایت قانونی محاکم دادگستری و مراجع قضایی مربوطه هم کمک خاصی به زنان یا مردان در جهت ازدواج مجدد نمی‌نماید. یعنی نه اختیاری در این خصوص دارند و نه تکلیف یا حقی. با توجه به اینکه اختیارات ادارات در قوه مجریه هم نوعاً توسط قانون یا مقامات بالادستی تعیین می‌شود نوعاً آنها هم تکلیفی به حمایت از ازدواج‌های بعدی خارج از قانون ندارند و صرفاً باید به نهادهای حمایتی مثل بهزیستی و کمیته امداد از زنان سرپرست خانوار اکتفا کرد. البته مردان هم در چنین مواقعی از حیث قانونی حمایت نمی‌شوند ولی چون جنس مذکر معمولاً توقع حمایت قانونی یا دریافت حمایت از دولتی ندارد و به محض کفایت مالی درباره ادامه زندگی تصمیم‌گیری می‌کند نمود کمتری خواهد داشت. ضمن اینکه از حیث اجتماعی هم خیلی در معرض تهدید قرار ندارد و اشتغال وی حتی اشتغال مجدد نیز کمتر تحت تأثیر تأهل قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله پیرامون ازدواج مجدد پس از طلاق یا فوت و حمایت‌های قانونی از آن در جمهوری اسلامی ایران بحث صورت گرفت. ازدواج مجدد با وجود تجربه قبلی، از جنبه‌های مختلف با ازدواج نخست تفاوت دارد که موضوعات قانونی که از ازدواج و طلاق قبلی با فرد وارد ازدواج دوم یا بیشتر از آن می‌شود می‌تواند یکی از موانع تصمیم به ازدواج مجدد قلمداد گردد. در این مطالعه، مفروض آن بود که مطابق اسناد بالادستی



و توصیه‌های واضح و آشکار قانونگذار، تأهل و بازتشکیل خانواده بر سایر گزینه‌های محتمل بعد از طلاق اولویت دارد و تلاش شد تا مصادیق حمایت عملی از این سیاست در قوانین معتبر موجود بررسی شوند. بر اساس مطالعه و مرور قوانین و سیاست‌های موجود می‌توان به چند چالش مهم در رابطه با موضوع مقاله اشاره کرد.

اگرچه در جای جای منظومه قانون‌گذاری کشور از حمایت از زنان سرپرست خانوار صحبت شده ولی این لفظ بسیار کلی است و لزوماً بیانگر حمایت از بازتشکیل خانواده پس از طلاق یا فوت همسر نیست. در عین حال، موادی از قوانین بیمه تأمین اجتماعی، بازنشستگی، حضانت یا نظام وظیفه عمومی وجود دارد که به نظر می‌رسد بیش از آنکه تسهیل‌کننده یا تشویق‌کننده ازدواج مجدد باشد مانع یا دست کم کاهنده انگیزه برای این تصمیم هستند.

با وجود این، سهم حمایت‌های فعلی نیز بیشتر به سمت زنان بیوه سنگینی می‌کند تا افراد مطلقه. در حقیقت، به نظر می‌رسد که در موضوع حمایت‌های مالی ازدواج مجدد پس از فوت بر وقوع ازدواج پس از طلاق برتری دارد. به همین ترتیب، به نظر می‌رسد قانون‌گذار پیش‌فرض «ازدواج باید در سن جوانی اولیه اتفاق بیفتد» را آنقدر پررنگ کرده که عملاً تمرکز از گروه‌های سنی دیگر از جمله ازدواج‌های مراتب بالاتر برداشته شده است و حتی با تأکید بیش از حد بر «ازدواج جوانان» عملاً جایگاه اجتماعی ازدواج غیر جوان را به شدت فروکاهیده یا از اولویت انداخته است. در حالیکه در اسناد بالادستی هیچ قیدی برای نهمی یا کم‌قدرتر بودن ازدواج‌های دوم یا بیشتر مشاهده نمی‌شود و ازدواج در هر صورت امری پسندیده شمرده شده است.

یکی از مواردی که موضوع ازدواج مجدد را از حیث حمایت‌گری قوانین دچار پیچیدگی ساخته است تعدد قوانین موازی حوزه ازدواج و طلاق با مواردی که گاهی غیرمنطبق بر هم می‌نمایند است که این‌که حداقل ۴ قانون هم‌ارز به موضوع ازدواج و خانواده پرداخته‌اند و هر چهار قانون معتبر هستند اما هیچ یک جامعیت ندارد. هر چند در موارد وحدت عنوان، در خصوص موضوعاتی که قانون جدید دارای مقرره‌ای است، به قانون جدید استناد خواهد شد (نعیمی فردوسی و نعیمی، ۱۳۹۹). در کنار آنها، همان‌گونه که بحث شد قوانین ماده واحده یا مواد مستور در قوانین موضوعه مختلف نیز کم نیستند. این موضوع، گسترش آگاهی عمومی نسبت به قوانین مربوطه را دشوار می‌سازد و در واقع، مانعی برای تحقق عدالت در جامعه خواهد بود.

نکته دیگر این‌که، به نظر می‌رسد در مقوله قانون‌گذاری حمایتی از ازدواج و ازدواج مجدد، واقعیت‌های موجود در جامعه چندان دیده نشده در حالیکه با وجود تبلیغات سنگین رسانه‌ای و فرهنگی جوامع غربی و ایجاد ارزش‌های جایگزین برای ازدواج و تشکیل / بازتشکیل خانواده که به واگرایی هر چه بیشتر ارزش‌های رسمی و غیررسمی مانند پدیده «انواع خانواده» (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۶) منجر می‌شود، برای تحقق آنچه در قوانین بالادستی درباره تکریم و تقویت نهاد خانواده با چارچوب‌های ایرانی اسلامی



منظور شده نیازمند قوانینی حمایت‌گرانه‌تر و مستقیم‌تر هستیم.

در نهایت، همراستا با فقدان حمایت ملموس از زنان، برای مردان نیز موانع مهمی برای ازدواج مجدد وجود دارد که شاید مهریه باقی مانده از ازدواج اول مهمترین آنها باشد. با توجه به اینکه یک پایه ازدواج مجدد، مردان هستند و با توجه به فرهنگ ایران امروز، احتمال تزویج مردان مطلقه یا بیوه مردان با زنان با وضعیت مشابه بیش از ازدواج هر یک از آنها با مجردین است موضوع مهریه و در کنار آن، موضوع تنصیف اموال به خودی خود مانعی است که انگیزه و البته توان مالی مردان را برای ازدواج مجدد کاهش می‌دهد.

قطعاً در یک نگاه تاریخی می‌توان ادعان نمود که با گذر زمان محتوای قوانین منطقی‌تر و حمایت‌کننده‌تر شده است اما با توجه به شرایط پیچیده دنیای معاصر و تغییرات نسلی و مخصوصاً آمار فزاینده در تغییر ساختار خانواده و نگرش متفاوت مردان و زنان به مقوله بازتشکیل خانواده نیاز به قوانینی جامع‌تر، پویاتر، حمایت‌گرتر و پاسخگوتر داریم تا افرادی که به صورت بالقوه امکان و شرایط ازدواج مجدد دارند را به سمت این انتخاب سوق دهد.

منابع

۱. آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده. مصوب ۲۷ بهمن ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی
۲. اشرفزاده، رضا و کلانی، معصومه (۱۹۳۱)، خانواده در ایران باستان و شاهنامه. زبان و ادبیات فارسی، ۳۵، ۱۰۱-۱۲۴
۳. الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت. ابلاغی رهبری ۲۲ مهرماه ۱۳۹۷
۴. چیل، دیوید (۸۸۳۱)، خانواده‌ها در دنیای امروز. مترجم: محمدمهدی لیبی. تهران: انتشارات افکار
۵. خبرگزاری ایسنا (۱۲ مرداد ۱۳۹۵). «توقف اعلام آمار «طلاق» از سوی سازمان ثبت احوال». کد خبر: ۹۵۰۵۰۱۰۶۵۸۸
۶. حاجی حیدری، ز.، پورشهریاری، م.، حسینیان، س. & یزدی، س. (۱۴۰۲). مطالعه‌ی عوامل مداخله‌گر در آسیب‌پذیری زنان پس از طلاق. مطالعات راهبردی زنان / doi: 10.22095/jwss.2024.462809.3489. 26(102), 157-178
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۹۸)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. انتشارات سروش. چاپ ۲۳.
۸. سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۵۹۳۱). وبسایت مرکز آمار ایران. برگرفته در ۱۶ مهر ۱۴۰۳ از: <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/21558>
۹. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. ابلاغی رهبری ۱۲ آبان ۱۳۸۲
۱۰. سیاست‌های کلی خانواده. ابلاغی رهبری ۱۳ شهریور ۱۳۹۵
۱۱. سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی. ابلاغی رهبری ۲۱ فروردین ۱۴۰۱
۱۲. سیاست‌های کلی جمعیت. ابلاغی رهبری ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳
۱۳. فیضی، ایرج و ابراهیمی، مرضیه (۱۳۹۸)، پیمایش ملی خانواده. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد استان البرز.
۱۴. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور. مصوب ۱۶ فروردین ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی.



۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۵۸ مجلس خبرگان.
۱۶. قانون الحاق یک تبصره به قانون استخدام جانبازان، اسرا و افراد خانواده‌های شهدا، جانبازان از کار افتاده، اسرا و مفقودالائزهای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و همچنین افرادی که حداقل ۹ ماه متوالی یا یکسال متناوب داوطلبانه در جبهه خدمت نموده‌اند. مصوب ۱۳۷۵.۹.۷ مجلس شورای اسلامی
۱۷. قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۲۸ آبان ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۸. قانون امور حسبی. مصوب ۱۳۱۹ مجلس شورای ملی .
۱۹. قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت (۱۴۰۷-۱۴۰۳). مصوب اول خرداد ۱۴۰۳ مجلس شورای اسلامی
۲۰. قانون تسهیل ازدواج جوانان. مصوب ۲۷ آذر ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی
۲۱. قانون حمایت از حقوق معلولان. مصوب ۲۰ اسفند ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی
۲۲. قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران. مصوب ۲ دی‌ماه ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی
۲۳. قانون حمایت از خانواده. مصوب اول اسفند ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی.
۲۴. قانون حمایت از خانواده. مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳. مجلس شورای ملی
۲۵. قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت. مصوب ۲۴ مهرماه ۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی (اجرای آزمایشی)
۲۶. قانون خدمت وظیفه عمومی. اصلاحیه ۲۲ آبان ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی
۲۷. قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه. مصوب ۲۵ دیماه ۱۳۴۵. مجلس شورای ملی
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه. جلد ۲۴. چاپ سی و شش. صفحه ۲۳۶ تا ۲۳۸ برگرفته در تاریخ (۴ خرداد ۱۴۰۳) از وبسایت:
۲۹. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۴۲&lid=۰&catid=۲۷۵۰۳&m=۱۲۱۰۱۳۷۱۸#۳۱۹۷۱۵>
۳۰. وحیدی فردوسی، عبدالهادی و نعیمی، زکیه (۱۳۹۹)، نقدی بر سیر تکوین حقوق خانواده ایران در دوران معاصر. مجله حقوقی دادگستری، ۸۴ (۱۱۰)، ۲۷۹-۳۰۲. doi: 10.22106/ljz.2020.100773.2523
۳۱. نقشه مهندسی فرهنگی کشور. مصوب ۱۵ اسفند ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳۲. وبسایت سازمان ثبت احوال کشور به نشانی: <https://www.sabteahval.ir/>
۳۳. یزدانی، عباسعلی و دوستی، سیمین (۱۳۹۶)، اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی. شماره ۴.
۳۴. یزدانی، عباسعلی (۱۳۹۹)، واکاوی تجارب و ساخت ابزار کیفیت زندگی خانواده‌های تشکیل شده پس از طلاق، رساله دکتری مددکاری اجتماعی به راهنمایی دکتر میرطاهر موسوی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

1. The United Nations Statistics Division (UNSTATS). (2020). Demographic Yearbook 2020: Divorce and Crude Divorce Rates by Urban/Rural residence: 2016-2020. Retrieved at:
2. https://unstats.un.org/unsd/demographic-social/products/dyb/dyb_2020/
3. Charlin, A. (2017). Introduction to the special collection on separation, divorce, re-



parenting and remarriage around the world. *Demographic research*. 37 (38). Pp: 1275-1296

4. Jensen, T., M., S., Kevin, G., Shenyang & L. & Jeffrey. H. (2015). Differences in relationship stability between individuals in first and second marriages: a propensity score analysis. *Journal of family issues*. 38 (3). Pp: 406-432
5. Yazdani A., Mousavi M., Alipour F., & Rafiey H. (2021). a. Reconfiguration of relationships during the process of remarriage after divorce. A qualitative study in Iran. *Journal of Medicine and Life*, 14 (2).198 – 204. DOI: 10.25122/jml-2020-0196
6. Yazdani A., Mousavi M., Alipour F., & Rafiey H. (2021). B. Intrapersonal Developments during the Transition Period to Remarriage after Divorce. *International Journal of Pharmaceutical Research*. 14 (1). DOI: <https://doi.org/10.31838/ijpr/2021.13.01.816>



دوره ۲

شماره ۲

سال ۱۴۰۲